



۲۰۱۶/۰۷/۱۸



میر عبدالواحد سادات

داشتن ستراتیژی ملی در مقابله با پاکستان



واقعیت قرار داشتن پاکستان بمثابه مرکز امن برای شرارت پیشه گان جهان و نقش دولت آنکشور بحیث حامی تروریسم، چنان آفتابی گردیده است که سرانجام در بحث های رسمی و علنی ولسی جرگه، کنگره و دیگر مجامع امریکا بی نیز بدان اعتراف صورت گرفته است. شاهدان و منجمله آقای خلیل زاد دپلومات سرشناس امریکایی افغان الاصل، با این اعتراف و شهادت در پهلوی ادعان بحقیقت، به نوعی عذاب وجدانی وتاریخی خود نیز مرهم گذاشته اند.

شاید بهتر بود تا این کلام اقبال لاهوری را در تالار نصب مینمودند که:

تخم دیگر بکف آریم و بکاریم ز نو ز آنچه کشتیم ز خجلت نتوان کرد درو

ما بخوبی درک مینمائیم که این لابی و تدویر جلسه در راستای منافع ملی امریکا انجام میآید و از نخستین گامها برای ترسیم و تعریف جایگاه بعدی پاکستان در بازیهای کلان جیوپولوتیک جهانی خیر میدهد.

قدر مسلم این است که آنچه انجام یافته، در واقع اثبات حقانیت صدای برحق افغانستان میباشد که طی چهار دهه اخیر قربانی تجاوز و جنگ اعلام نا شده پاکستان میباشد و تروریستان و خرابکاران صادر شده از آنکشور، دمار از روزگار مردم بیرون نموده هست و بود آنرا در مقاطع مختلف به مخاطره انداخته اند.

بدینرو در احوال کنونی و بخاطر بهره برداری دقیق از جو ایجاد شده ای جهانی، ضرور است تا در مقابله با پاکستان دارای ستراتیژی ملی باشیم. البته در مورد کم و کیف و چگونگی این ستراتیژی دوستان نظر خواهند داد و بدون شک در گام نخست باید شناخت دقیق از جیوپولوتیسم حاکم بر منطقه و جهان که بر مبنای آن بازیهای کلان منظوقی و جهانی شکل میگیرد، داشته باشیم

(بازیهای بزرگ که مقدرات تاریخی افغانستان، پاکستان و... را تعیین خواهد نمود).

همچنان نیاز میرم است تا ما تعریف دقیق و روشن از منافع ملی خود داشته باشیم و در گام سوم باید متوجه کار های خانگی خود باشیم که فقط و فقط توسط خود افغان ها انجام یافتنی میباشد.

ما همین اکنون با بحرانات شدید و خانه بر انداز مواجه میباشیم (بحران مشروعیت، بحران سیاسی، بحران اقتصادی، بحران اجتماعی و...) و خطرناکتر از همه بحران اعتماد در مقیاس ملی میباشد (به گفته وطنی ما، یکی مات میگوئیم و دیگری از تیاق صحبت مینماید) یکی در فکر لوی افغانستان است و دیگری عجله برای شناخت دیورند، دارد و دیگری پلان تجزیه پاکستان را طراحی مینماید و به یاد باید داشت که...:

هیچ کار نمیتوانیم، تا افغانستان متحد و مقتدر ودولت نیرومند ملی که بر قوای مسلح ملی (غیر قومی و تنظیمی) متکی و حاکمیت قانون را ملاک عمل قرار دهد، نداشته باشیم. و این مامول زمانی سراب نخواهد بود که برای انجام وظایف یاد شده صادقانه گام نگذاریم.

پایان

د پانو شمیره: له 1 تر 1

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاډونه: دلپکنی د لیکنيزي ښي پاروالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیزلو مخکي په خیر و لولی